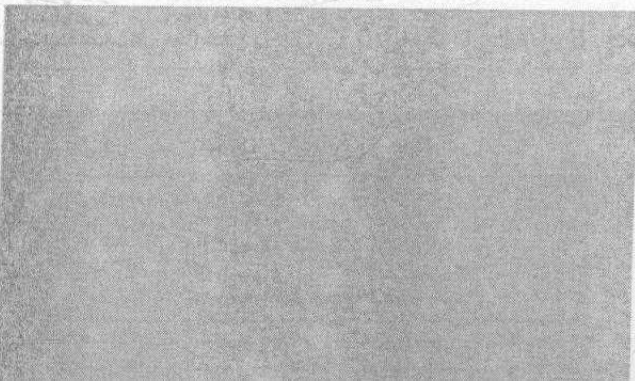


فهرست مطالب

ترجمه و شرح رساله ذہبیہ

مؤلف: محمد حسن ربانی

شرکت چاپ و نشر بین الملل



نام کتاب: ترجمه و شرح رساله ذهبیه

مؤلف: محمدحسن ریائی

نشر: چاپ اول - تابستان ۱۳۹۸

بی توگراف چاپ و صحافی: سفیر اردهال

شماره: ۱ نسخه

قیمت: ۳۰۰۰ ریال

طراح جلد: سیری ابراهیمی

مسئول تولید: شریف شایسته

شابک: ۷۸۳-۳۰۴-۹۶۴-۲

سروشنامه

ریائی، محمدحسن، ۱۳۴۲ -

عنوان قرارداد

طیبالرضا، فارسی، شرح

عنوان و نام پدید آور

ترجمه و شرح رساله ذهبیه / محمدحسن ریائی

مشخصات نشر

تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری

۳۱۴ ص

شابک

۷۸۳-۳۰۴-۹۶۴-۲

وضعیت فهرست نویسی: فنی

یادداشت

کتابنامه: ص. [۲۳۹] - ۲۴۴.

موضوع

علربین موسی(ع)، امام هشتم، ۱۵۳ - ۲۰۳ ق. طب - نقش - تفسیر

موضوع

Medicine, Islamic -- Early works to 20th century

موضوع

بهداشت -- متون قدیمی تا قرن ۱۴

موضوع

Hygiene -- Early works to 20th century

موضوع

سلامتی -- متون قدیمی تا قرن ۱۴

موضوع

Health -- Early works to 20th century

شناسه افزوده

علربین موسی(ع)، امام هشتم، ۱۵۳ - ۲۰۳ ق. طب.الرضا. شرح

شناسه افزوده

سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل

ردمبندی کنگره

۱۳۹۷ ۱۳۴۴ ۲۰ ۸ ط ۱۲۸۳ / R

ردمبندی دیویی

۶۱۰/۹۱۷۶۷۱

شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۹۱۰۸۸

شرکت چاپ و نشر بین الملل

دفتر مرکزی: تهران، میدان استقلال، سندی جنوبی، پلاک ۲، طبقه سوم

تلفن: ۳۳۹۲۲۹۵۹ - ۴۱

فروشگاه مرکزی: میدان فلسطین، خلع شمال شرق، پلاک ۴ و ۵

تلفن: ۸۸۹۲۱۹۸۰ - ۴۱

نمابر: ۸۸۹۰۳۸۴۴

www.intlpub.ir • Email: intlpub@intlpub.ir

فهرست مطالب

۷		مقدمه
۲۷		عصر حضرت زهرا (ع)
۳۷		متن و ترجمه رساله ذوقیه بر اساس نقل علامه مجلسی در بحار الانوار
۵۵		بیان فصل های سال
۱۰۰		استحباب درمان
۱۰۵		معالجه و تداوی با حرام
۱۲۱		عوامل تخلیه ثقل بدن (چربی سوزی)
۱۲۵		اسباب سلامتی جسم و روان از منظر روایات
۱۳۳		درمان خودسرانه؛ شتاب زدگی در مصرف دارو
۱۳۶		پیشگیری بهتر از درمان
۱۳۹		رگ زدن و داغ کردن
۱۴۷		کم خوری یکی از راه های تخلیه بدن
۱۵۷		دستورات عمومی
۱۵۷		۱. نان گندم، نان جو

۶	 ترجمه و شرح رساله ذهبیه
۱۵۹	 ۲. خواص عَنَاب
۱۶۰	 ۳. خواص آش
۱۶۱	 ۴. خواص سیاه دانه
۱۶۱	 ۵. فایدهٔ برنج برای درمان بواسیر
۱۶۸	 کمی مجامعت
۱۷۴	 صدقه اثر آن در درمان بیماریها
۱۷۵	 باد بهار، یائیز
۱۷۷	 وقت غذا خوردن در مازنه با چاقی
۱۸۸	 آداب غذا خوردن
۱۹۰	 سبزیجات را در برنامهٔ غذائی خود قرار دهید
۱۹۶	 غذا و نان
۲۰۲	 سیری در زندگی امام رضا علیه السلام
۲۳۵	 نقل اجساد
۲۳۹	 کتاب نامه

مقدمه

یکی از نیازهای مهم و قابل توجه در زندگانی و حیات علمی حضرت رضا علیه السلام و جرد رساله ذهبیه منسوب به ایشان می باشد. این رساله مجموعه ای از مباحث طبّی و پزشکی است که حضرت رضا علیه السلام برای مأمون نوشته است. از آنجا که بنده در باب پزشکی و امور پزشکی متخصص نیستم می خواهم به عنوان یک پژوهشگر گزارش از این رساله را در اختیار شما بگذارم. علت این که من دنبال این رساله رفتم و بیشتر با این رساله آشنا شدم و تحقیقات خاص درباره صدور آن و سند آن انجام دادم، یک واقعه ای بود که اتفاق افتاد.

یک روز ساعت یک بعد از ظهر بود که در کتابخانه دفتر تبلیغات اسلامی مشغول مطالعه بودم، ناگهان گفتند کسی با شما جلو سالن کار دارد، وقتی مراجعه کردم دیدم یکی از دوستان شاغل در آستان قدس رضوی به راه یک فرد خارجی در آنجا حضور دارند، دوستم گفت: ایشان یک پروفیسور ایتالیائی است که درباره حدیث سؤالاتی دارد. مردی حدود سی و اندی سال. دوست ما گفت: ایشان بحث های حدیثی را پیگیرند، و من فکر کردم شما می توانید در این زمینه به ایشان کمک کنید لذا ایشان را به این جا آوردم.

همراه ایشان و دیگر دوستان طلبه جلسه‌ای تشکیل شد. در معرفی آقای پروفیسور گفته شد که ایشان دکترای پزشکی دارد، و در طب سنتی هم کار کرده است، از جمله چند سال است که بر روی رساله ذهبیه امام رضا علیه السلام تحقیق و کار کرده است. ایشان استاد دانشگاه رم در ایتالیا است، و قصد دارد به دعوت دانشگاه شهر دوشنبه پایتخت تاجیکستان به آن کشور رود و اکنون ایشان برای بازدید از شهر مشهد، و بارگاه حضرت رضا علیه السلام به مشهد آمده است، ضمن آنکه ایشان می‌خواهد در دانشگاه دوشنبه درباره رساله ذهبیه امام رضا گزارش و کنفرانس دهد، چون آنجا اهل سنت هستند ایشان به دنبال اطلاعاتی درباره این رساله و سند آن است. این مقدمه‌ای برای شروع بحث شد، البته چگونگی آشنائی او با رساله و وجود ترجمه‌هایی از رساله ذهبیه به زبان‌های اروپائی و شرح آن خیلی برای ما عجیب بود. نکته دیگر اینکه او متوجه بود تاجیکستان یک کشور سنتی است و سنتی‌ها به سند خیالی بها می‌دهند لذا درباره سند آن هم تحقیق می‌کرد. هدف اصلی او از سفر به مشهد آشنائی با شخصیت حضرت رضا علیه السلام بود. شاید ده پانزده سال از این جریان می‌گذارد، اطلاعات نرم افزاری در آن زمان آن قدر قوی نبود که هر جای جهان باشی بتوانی با آن با خبر شوی، اما الان دنیا یک دهکده کوچک و بلکه یک خانواده کوچک محسوب می‌شود و قابل دسترسی و اطلاع یابی است.

به هر حال بحث بسیار جالبی صورت گرفت؛ من دو جلد از کتاب وسائل الشیعه و مجلّات بحار را که درباره اطعمه و خواص غذاها و میوه‌ها و سبزیجات و به قول امروزی‌ها طب اسلامی بود، به ایشان ارائه دادم و سپس به

کتابفروشی دفتر تبلیغات راهنمایی شد و حدود صد جلد کتاب خرید تا با خودش به تاجیکستان و از آنجا به ایتالیا ببرد.

ایشان پی‌گیر تهیه هر کتاب حدیثی و روایی ما بود که درباره طب سخن داشت.

من واقعاً تأسف خوردم که یک ایتالیائی مسیحی در آن طرف جهان، کتاب الرسالة الذهبیة امام رضا علیه السلام را می‌شناسد، ولی مردم شیعه، پیروان خُلص امام رضا علیه السلام و دانش‌طلبه‌های ما و علمای ما خیلی اطلاع از این کتاب و رساله ندارند، و بی‌خبر ما این رساله مثل بی‌خبری ما از صحیفه سجّادیّه است. استاد علامه سید علی نهرستانی - مؤلف کتاب منع تدوین الحدیث که از اکابر پژوهشگران و محققان حاضر است و کتاب ایشان مورد پذیرش الازهر مصر قرار گرفته است و متن درسی است - فرمود: من برای شرکت در چند کنفرانس به چند کشور عربی رفتم، از جمله به مراکش؛ سلاطین مراکش خودشان را از نسل امام حسن علیه السلام می‌دانند، لذا به سادات خیلی احترام می‌گذارند. به تونس نیز رفتم، دانشگاه زیتونیّه تونس یکی از دانشگاه‌های مهمّ است. کشورهای عربی چند دانشگاه با سابقه دارند: دانشگاه الزهر، زیتونیّه تونس، دانشگاه ریاط، دانشگاه دمشق.

هنگامی که در دانشگاه زیتونیّه سرفصل‌های درسی آن دانشگاه را توضیح می‌دادند، گفتند چند واحد عرفان اسلامی هم داریم، سؤال کردم: متن آن چیست؟ پاسخ دادند متن آن دعاهائی از صحیفه سجّادیّه علی بن الحسین زین العابدین است، من خیلی متعجب شدم که آنها واحدهای درسی با عنوان

عرفان اسلامی دارند، و متن درسی آن صحیفه سجّادیّه است و چقدر اهمیّت به صحیفه سجّادیّه داده‌اند. سؤال کردم استادش کیست؟ گفت: پروفیسوری است که از ایتالیا می‌آید و اینجا تدریس می‌کند، شگفتی‌ام بیشتر شد؛ زیرا اهل سنت در یک دانشگاه خود، متن عرفان اسلامی را صحیفه سجّادیّه قرار داده‌اند، و سپس فردی ایتالیائی با تلاش و زحمت خود و رسیدن به درجه پروفیسوری آن را تدریس می‌کند.

ارده است دانشمندم جناب استاد جلالی که در این زمان حضور دکتر ایتالیائی معاون بنیاد روهنمای آستان قدس بود شنیدم که آن پرفیسور این رساله را ترجمه و به زبان ایتالیائی در ژم منتشر کرد و نسخه‌ای را برای من فرستاده است. این دو جریان را شنیدم تا بدانیم ما چه آثار ارزشمندی داریم و اگر ما غافل هستیم دیگران از آن غافل نیستند، شما کتابخانه بزرگ سید ابن طاووس را نگاه کنید، یک یهودی اسرائیلی روی این کتاب چه زحمتی کشیده و آن را به عنوان پایان نامه دکتری خود تصحیح کرده است، و من اتان گلبرگ استاد بازنشسته دانشگاه هیرو اسرائیل است^(۱)، که در تاریخ تشیع بسیار پژوهش می‌کند. حضرت علی علیه السلام کلام بسیار جالبی دارد، می‌گوید:

«مَنْ نَامَ لَمْ يَنْمَ عَنْهُ»^(۲).

کسی که خودش بخوابد دیگران از او نمی‌خوابند.

آری، رساله ذهیّه امام رضا علیه السلام مورد توجه غربی‌ها نیز واقع شده است.

۱. وی مستشرقی است که در تاریخ تشیع کار می‌کند، در ۲۰۱۲ میلادی بازنشسته شده است، یکی

از آثار وی کتاب فوق است که به وسیله استاد رسول جعفریان ترجمه، و به دستور آیت الله دکتر

مرعشی نجفی به وسیله کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی چاپ شده است.

۲. نهج البلاغه، نامه ۶۲ و خطبه ۳۴، معارج نهج البلاغه: ۳۹۲، بحار الأنوار ۳۳: ۵۳۳.

عنوان این رساله «ذهبیّه» است، چون ظاهراً مأمون دستور داد آن را با آب طلا نوشتند و بعنوان طبّ الرضا علیه السلام هم معروف است.

مرحوم علامه محمد باقر مجلسی آن را در کتاب بحار الانوار، کتاب السماء والعالم آورده است. در آثار قدمای ما مثل مرحوم احمد بن علی نجاشی ^(۱) - که رجالی است و علمای پس از آنها مثل علی بن شهر آشوب در معالم العلماء ^(۲)، ذکری از رایی این رساله ابو محمد الحسن بن محمد بن جمهور العمّی ^(۳) از پدرش نه از ملازمان امام رضا علیه السلام بوده است و عالم به اخبار و وقایع زندگی حضرت رضا علیه السلام بوده است. شیخ طوسی و نجاشی از این رساله خبر داده‌اند و به رسم دانش رجال دو سند برای آن نقل می‌کنند، پس معلوم می‌شود یک رساله مشهوری بوده است.

مرحوم علی بن عبدالعالی مریخی به محقق کرکی (۹۴۰ ق) ^(۴) یک مقدمه بر رساله دارد و درباره اعتبار آن سخن گفته است.

مرحوم میرزا حسین نوری در خاتمه مستدرک الوسائل درباره این رساله سخن گفته و قرائن پنج گانه‌ای بر وثاقت راوی آن یعنی «حسن بن محمد بن جمهور العمّی ابو محمد بصری نقل کرده است.

۱. رجال نجاشی: ۱۴۴/۶۲.

۲. معالم العلماء: ۱: ۳۹۶.

۳. خلاصة الرجال: ۴۳، رجال النجاشی: ۱۴۴/۶۲، منتهی المقال: ۲: ۴۵۲، لسان المیزان: ۲.

۴. نقد الرجال: ۲: ۱۳۶/۵۹، بهجة الآمال: ۲: ۱۹۶، تنقیح المقال: ۱: ۳۰۶، أعيان الشيعة: ۵.

۲۴۲، معجم رجال الحديث: ۱: ۱۱۳، قاموس الرجال: ۳: ۳۵۷، مستدرکات علم رجال الحديث

۳: ۳۷.

۴. روضات الجنات: ۴: ۳۶، الكنى والألقاب: ۳: ۱۶۱، ریحانة الأدب: ۵: ۲۴۴.

نجاشی دربارهٔ پسر و پدر یعنی حسن بن محمد بن جمهور، و محمد بن جمهور که هر دو راویان این رساله هستند، و محمد بن جمهور عمّی که ملازم حضرت رضا بوده است می‌نویسد: «الحسن بن محمد بن جمهور العمّی، أبو محمد، بصریّ، ثقة فی نفسه، ینسب إلى بني العَمّ من تمیم، یروی عن الضعفاء، ویعتمد علی المراسیل، ذکر أصحابنا ذلك وقالوا: کان أوثق من أبیه وأصلح»^(۱). یعنی حسن بن محمد بن جمهور، فی نفسه ثقة است، ولی گاه از راویان ضعیف روایت می‌کند، و بر مراسیل اعتماد می‌کند. پدر و پسر ثقه‌اند ولی پسر از پدر موثق‌تر و صالح‌تر است.

نجاشی این عبارت را که «يعتمد علی المراسیل، یروی عن الضعفاء» دربارهٔ بزرگان محدّثان مثل احمد بن محمد بن خالد برقی^(۲)، و مثل محمد بن یحیی صاحب نوادر الحکمه^(۳) بیان نموده است. این تعبیر اصلش از ابن الغضائری است که در مورد هر راوی و محدّث که اندکی فضائل اهل بیت و معجزات اهل بیت را نقل می‌کرد آنها را متّهم به غلو می‌کرد. مرحوم نجاشی خوب فرموده است که ذکر روایت مرسل دلیل ضعف راوی نیست.

سپس مرحوم میرزا حسین نوری رحمته الله هفت قرینه بر وثاقت او ذکر می‌کند^(۴). بزرگان ما مثل مرحوم آیه الله بروجرودی تصریح کرده‌اند و ثانی که از قرائن

۱. رجال نجاشی: ۶۲ شماره ۱۴۴.

۲. رجال نجاشی: ۱۸۳/۷۶، خلاصه الرجال: ۷/۱۴، منتهی المقال ۱: ۳۱۹، معجم رجال الحديث ۸۳: ۳ و ۲۲۹.

۳. رجال نجاشی ۹۳۹/۳۴۸، جامع الرواة ۲: ۶۳، تنقیح المقال ۳: ۳۲۹.

۴. خاتمة مستدرک الوسائل ۱: ۲۲۴.

نسبت به راوی فهمیده می‌شود به مراتب بالاتر از توثیق یک رجالی است. در نسبت این رساله به امام رضا علیه السلام جای شک وجود ندارد، محمد بن جمهور عمّی می‌گوید در سفری که حضرت رضا علیه السلام را از مدینه به مرو (خراسان) آوردند، من ملازم خدمت امام بودم.

مجلسی در نیشابور برپا شد که مأمون در آن مجلس حضور داشت، و عده‌ای از اطباء بزرگ عصر، طبیبان برجسته مسلمان و غیر مسلمان که ملازم مأمون و در دربار او بودند و عده‌ای از فلاسفه و حکمای عصر و طرفداران مسلک‌های گوناگون هم حاضر شدند.

در این جلسه بحث به مسائل طبی کشیده شد، و مأمون و اطباء و فلاسفه در بحث‌های طبی فرو رفتند. بحث بر سر این مطلب بود که خداوند این جسد و جسم انسان را چگونه قرار داده و چگونه در وجود این انسان چهار طبیعت قرار داده است و منافع اغذیه و مضار اغذیه چه هست؟

می‌دانید که اطباء قدیم قائلند انسان دارای چهار طبیعت است: طبیعت گرم، طبیعت سرد، طبیعت صفراوی، طبیعت بلغمی. اگر کسی طبیعت خودش را کشف کند بسیار برای او راه‌گشا خواهد بود حتی علما و بزرگان گفتند بخشی از نزاع‌ها و اختلاف‌های زن و مرد به همین اختلاف مزاج‌ها برمی‌گردد.

اگر قبل از ازدواج کشف کردیم که طبیعت زن و مرد چگونه است؟ آیا هر دو گرم است یا هر دو سرد است، وفاق روحی آنها بیشتر است. شکاف‌های بزرگ از همین شکاف‌های کوچک شروع می‌شود.

مناسب است به این نکته اشاره شود که ظاهراً این جلسه در بازگشت مأمون از

مرو به نیشابور بوده است؛ نیشابور شهر بزرگی در قرن دوم و سوم بوده است. در آن دوره سه شهر مهم در جهان اسلام فرهنگی بود: بغداد، نیشابور و بخارا و نیشابور مهم‌تر از بغداد بوده است.

حضرت رضا علیه السلام در سال ۱۹۷ هجری که از مربعه نیشابور سوار بر کجاوه شتر بود، ناگهان مردم با خبر شدند، با آن که مأمون دستور داده بود حضرت را مخفیانه حرکت دهند و نگذارند مردم با او ملاقات کنند ولی خبر منتشر می‌شد، حضرت رضا علیه السلام وقتی آنجا بودند علمای بزرگی مثل اسحاق بن راهویه نیشابوری - استاد بخاری و مسلم - محمد بن اسلم طوسی و ابو زرعه رازی و صد و بیست هزار نفر دانشمندان و محدث و طالب، که تعداد زیادی از آنها قلم به دست بودند، حضور داشتند.

این استادان از امام رضا علیه السلام در خواست کردند که برای آنها حدیثی یادگاری بفرماید و حضرت حدیث معروف به سلسله الذهب را بیان کرد. پس از سفر به مرو و گذشت چند سال در بازگشت حضرت رضا علیه السلام از مرو یعنی سال ۲۰۴ هجری قمری امام همراه مأمون وارد نیشابور شدند.^(۱) این دوره ظاهراً همان زمانی بود که از مرو برگشتند و چون نیشابور شهر بزرگی بود در مسیر بغداد، و شاید از نظر جغرافیایی اول به نیشابور رفتند و بعد از آنجا به طوس آمدند، چون سیر آنها از راه‌های مشهور بوده است، و لذا بعید نیست در برگشت از مرو به بغداد وارد نیشابور شده‌اند و در آنجا این جلسه اتفاق افتاد.

۱. التوحید: ۲۴، مسند ابی‌صلت: ۹۳، کشف الغمّة فی معرفة الأئمّة: ۲: ۳۰۸.

امام در نیشابور - به گونه‌ای که بزرگان مورخان نوشته‌اند - در منزل پیر زنی به نام پسند سکنی گزیدند، ظاهراً منزل بزرگی داشت و خودش در آن منزل تنها زندگی می‌کرد، اعلام آمادگی کرد که منزل خود را در اختیار حضرت و اصحاب و همراهان قرار دهد. این منزل و صاحب آن به نام منزل پسند معروف شد چون حضرت و اصحاب آن را پسندیدند. حضرت به شکرانه حضور در منزل این پیر زن، یک هسته بادام در منزل او کاشتند، و این هسته درخت بادام شد، و مورد توجه مردم قرار گرفت به گونه‌ای که اگر کسی دچار بیماری معده و قولنج می‌شد و از بادام این درخت استفاده می‌کرد خوب می‌شد، و یا اگر حیوانی بیمار می‌شد از برگ این درخت به آب می‌خوراندند و یا به بدنش می‌مالیدند، حیوان خوب می‌شد. بالاخره این درخت خیلی به کاشت امام رضا علیه السلام شهرت یافت و منزل پسند هم معروف شد.

شاید عده‌ای از سر نادانی و جهالت - بلکه عناد، کاری کردند که درخت خشک شد چون باعث شده بود که مردم بسیار مراجعه کنند، شاید هم قصد بازسازی منزل را داشتند ولی درخت را یکی از فرزندان آن زن خشک کرد. مگر در همین مملکت ما درختان بسیاری را قلع و قمع نکردند که جای آن برج بسازند؟ زمانی در خبرها آمد که در مازندران درخت هشتصد ساله را قطع کرده بودند و جای آن برج ساختند و آب از آب هم تکان نخورد، با کدخدای ده بساز و برده بتاز^(۱)، دم چند نفر را در شهرداری و غیره حتماً دیده‌اند، درخت هشتصد ساله را قطع کردند، بعد هم کمی سرو صدا شد و تمام شد.

در نیشابور هم قضیه همین‌گونه بوده است؛ منزل بزرگ پسند را خواستند

تجدید بنا کنند درخت مزاحم بود، و مردم هم مراجعه بسیار می کردند، یکی از فرزندان زن آن درخت را خشک کرد، و بعد از مدتی دیگری آمد شاخه های آن را برید، نوشته اند هر دو مبتلا به مرضی شدند که همان سال یکی پس از دیگری مردند. خیر و برکت آن درخت را از مردم گرفتند خدا هم خیر و برکت را از ساختمان و عمر آنها گرفت. قطع کردن درخت کار آسانی نیست، همانطور که سبز کردن یک درخت ثواب فراوان دارد، قطع کردن درخت هم عقاب فراوان دارد.

خلاصه آن که امام در این منزل در نیشابور ساکن شدند، و چندی توقف داشتند.

جلسه علمی پیرامون سبب و امور پزشکی در حضور مأمون برگزار شد و حضرت رضا علیه السلام در این جلسه ساکن بودند. آنها در مسائل طبی غور می کردند، و با خود فکر می کردند حضرت رضا علیه السلام چیزی از طب نمی داند، جلسه تمام شد و مأمون گفت: ما نقول یا أبا الحسن فی هذا الأمر الذي نحن فيه هذا اليوم، والذي لا بد من معرفة هذه الأشياء والأغذية السافع بها: الضارّ وتدبير الجسد؟ مأمون گفت: نظر شما درباره این موضوعی که در آن امروز بحث کردیم، و نیز درباره شناخت این امور و غذاهای مفید و مضرّ و تدبیر جسم انسان چیست؟ فقال أبو الحسن علیه السلام:

«عندي من ذلك ما جرّبه وعرفت صحّته بالاختبار ومرور الأيام مع ما وقفني عليه من مضى من السلف ممّا لا يسع الإنسان جهله ولا يعذر في تركه، فأنا أجمع ذلك مع ما يقاربه ممّا يحتاج إلى معرفته»^(۱).

حضرت فرمود: من اطلاعات خوبی درباره طب دارم، بخشی تجربیات من است و آن را با آزمایش و امتحان شناخته‌ام، و مرور ایام هم مرا به مطالبی واقف کرده است که نباید انسان به آن جاهل باشد و در ترک آن معذور نیست. من برای شما اموری را که باید اطلاع از آن داشته باشید جمع خواهم کرد و در اختیار شما قرار خواهم داد.

مأمون^(۱) فرصت نکرد تا امام علیه السلام برای او در یک جلسه خاص تمام مطالب را بیان کند. مأمون از نیشابور به بلخ رفت و امام رضا علیه السلام در نیشابور ماند، بنابراین حضرت در زمان مسرت و سبب رساله‌ای در اموری که امام در آن تجربه داشت نوشت. نکات و مطالبی درباره مسائل غذایی، نوشیدنی‌ها، دواها و دردها، از قبیل حجامت و قُصْد و مسراک و ... امام و تنظیف بدن و ... بیان نمود. امام علیه السلام این نسخه را نوشت و کاتبان دستگاه مأمون آن را برای مأمون نسخه‌برداری کردند و نوشتند. پیش از شروع به شرح و بیان این رساله با ارزش به نکاتی اشاره می‌شود: در این رساله چند جا واژه و لقب امیرالمؤمنین به مأمون اطلاق شده: «واعلم یا امیرالمؤمنین» بعید نیست که این تعبیر را همان کاتب دستگاه عباسی بکار برده، چون ائمه علیهم السلام مُصَرَّ بودند این لقب را فقط درباره امیرالمؤمنین علی علیه السلام بکار ببرند و کسی غیر ایشان را امیرالمؤمنین خطاب نکند. بر این رساله از همان سال‌های قدیم شروح و تفسیرهای گوناگونی از علما نوشته شده است؛ شیخ منتجب الدین از اولین شرحی یاد می‌کند که به وسیله فضل الله راوندی که از علمای قرن ششم نگاشته شده است^(۲).

۱. تاریخ الخلفاء: ۳۰۶، تمة المنتهی: ۲۴۶۴، مروج الذهب ۴: ۴ «مصر» و چاپ شال پلا ۴:

۲۶۹۴/۲۹۹

۲. الفهرست: ۹۶، تنقیح المقال ۲: ۱۳، جامع الرواة ۲: ۹، الذریعة ۱۵: ۱۴۲.